

نقش صنایع دستی در توسعه اشتغال معلولین

در ابتدا میباید تعریف درستی از صنایع دستی بدست آورد و حیاطه و وسعت آنرا شناخت و این شاید مشکلترین بخش کار باشد زیرا تعاریف عموماً ناقص و فقط به قسمتی از وظائف و امکانات اشاره کرده است . در فرهنگ معین در تعریف صنایع دستی آمده است، صنایع دستی عبارت است از صنایعی است که دست در ساخت آن دخیل است . مانند گلیم بافنی و قالی بافی این تعریف اولاً " نارساست زیرا صنایع دستی را از صنایع معمولی که دست در آن دخیل است جدا نمیکند ، مثلاً "آبادرودگری جزو صنایع دستی است ؟ آیا آهنگری و یا حرفه هایی که دست در آن دخیل ولی جزو صنعت هستند جزو صنایع دستی قرار میگیرد؟ دوماً " تأکید بر دستی انجام شدن کار به معنی عدم بکارگیری ابزار آلات است . آیا ابزار را میتوان بکار گرفت ؟ و اگر میتوان تا چه حد باید از ابزار آلات استفاده کرد؟ برای مثال در قدیم برای سفالگری کِل را میباید چند روز با پا و بعد با دست ورز داده می شد که اغلب کارگران را دچار رماتیسم میکرد و حالا تمام مراحل آماده سازی کِل با دستگاهی بنام فیلتر پرس انجام میگرد که هم سرعت بیشتری را دارد و هم کیفیت مطلوبتری را ایجاد میکند. حال باید این دستگاه را برای صنایع دستی بکار برد؟ واگر ببریم با تعریف بالا مناقص نیست ؟ در ادامه همین رونوسوا لات زیادی مطرح میگردد مثلاً "

آیا سفال رونمایی که دست در ساخت آن دخالت کمتری دارد را میتوان جزو صنایع دستی قرارداد؟ آیا میتوان با ماشینهای تمام اتوماتیک پارچه های با طرح سنتی بافت؟ آیا از مواد صنعتی میتوان برای ساخت وسایسل سنتی استفاده کرد؟...

در لغت نامه دهخدا نیز تعریفی شبیه به همین تعریف داده میشود و البته تحت عنوان صنایع ایران اقدام به معرفی آنچه تاریخ هنر باستانی ایران است میکند و به معرفی رشته هایی باستانی صنایع دستی میپردازد — ولی مشکل شناخت صنایع دستی کماکان باقی میماند .

در فرهنگهای خارجی تعریفی عامتر و درست تر بدست میآید در فرهنگ بریتانیکا گفته میشود (البته یکی از تعاریف صنایع دستی) صنایع دستی عبارت از صنایعی است که ذوق و سلیقه و فرهنگ صنعتگر در آن دخیل باشد . این تعریف به بسیاری از سؤالات پاسخ میدهد . فرق صنایع دستی و صنایع معمولی را دخالت فرهنگ و ذوق و سلیقه در آن میدانند فرم و نقش یک میز معمولی چوبی اگر حکایت از تأثیر فرهنگی خاصی نکند جزو صنایع معمولی است و اگر عامل فرهنگی خاصی را بیان کند جزو صنایع دستی است در تعریف برینانیکا عمل محدود به دستی انجام شدن نمیشود، چون شیوه تولید بستگی به سطح تکنولوژی رایج دارد و تابعه ای از همان تکنولوژی است و میتواند در طول زمان تغییر یابد و منطقی است که

ابزارها و شیوه تولید هم در طول زمان تغییر کند. بنابراین محدود شدن - تولید به انجام آن با وسایل بخصوص و ابتدایی و یا سنتی میتواند از رشد و تکامل هر هنری و صنعتی بکاهد. البته بعضی از سازمانها و مراکز میتوانند جهت حفظ ارزشهای تاریخی نوعی شیوه تولید را حفظ کرده و بر ادامه آن بکوشند ولی اگر به مسئله رشد تکنولوژیک و به رشد تولید درجا اعتقاد داشته باشیم نمیتوان در تمامی جامعه نوع بخصوصی از شیوه تولید را انحصاری کرد.

اندرس کلاسون رئیس شورای جهانی صنایع دستی تعبیر نان - گلسرخ را برای صنایع دستی دارد و میگوید هنرمند سازنده صنایع دستی هم به هنر بومی و سنتی خود میپردازد و هم نیازهای مادی و اقتصادی خود را رفع میکند. پس صنایع دستی هم نان است و هم گلسرخ و شاید بر اساس همین تعبیر است که سازمان صنایع دستی ایران نیز تعبیر هنر، صنعت را یکبار میبرد. این دو صورت صنایع دستی یعنی هنری و صورت صنعتی امروزه - پذیرفته است، زیرا شیوه ساخت صنایع دستی آنچنان بفرنج و تخصصی است که بدون تحصیل فن آن نمیتوان در تولید قدم گذاشت.

در تقسیم بندی هنرها صنایع دستی جزو هنرهای کاربردی قرار میگیرد و در - تعریف هنر کاربردی گفته میشود که علاوه بر رفع نیاز مادی انسان به جنبه های هنری فرهنگی میپردازد. مانند معماری و مجسمه سازی، در جمع بندی میتوان گفت که صنایع دستی بخش عمده (در کنار دیگر هنرهای

مرسوم مانند موسیقی و رقص و تئاتر و (۰۰۰۰) از هنر سنتی يك منطقه و دارای دووجه هنری و صنعتی است و به تولید و تزئین وسایل میپردازد که در زندگی روزمره استفاده میگردد.

يك هنرمند صنایع دستی کار به فرهنگ و هنر جامعه خود آگاه است و بر وسایل مورد استفاده مردمنقشی، طرحی و حجمی فرهنگی و هنری میزند تا کسی که آنرا ببیند و یا استفاده میکند بدان آنچه در دست اوست تأثیر گرفته از سنن و فرهنگ سازنده است.

ایران به عنوان یکی از غنی ترین کشور های تولید کننده صنایع دستی در جهان بوده و هست. این ادعا بی پایه و گزافه نیست از لحاظ تاریخی ایران توانایی ایجاد يك تمدن بزرگ را داشته و از توانایی های خود نهایت استفاده را کرده و تمدنی ایجاد کرده است که تأثیر گذار بر دیگر تمدنها بوده و اختراعات و ابداعات زیادی به جوامع بشری اهدا کرده است.

اختراع چرخ سفالگری در هزاره چهارم قبل از میلاد یکی از مهمترین اختراعات سپیده دم بشری بوده است.

ساخت مفرغهای لرستان که در زمان خود یکی از مهمترین ساخته های بشر است و امروزه زینت بخش موزه های جهان است و در هزاره دوم پیش از میلاد حکایت از وجود صنعت و تکنولوژی قوی در ایران آن روزگار است. عدم توانایی اروپائیان در زدن سقفهای سنگین را ایرانیان حل کرده و با

زدن سقفهای قوی توانستند سقفهای زیبا و پایدار بسازند و افتخار اختراع اینگونه سقفها را به خود نسبت دهند در معماری آنچنان پیشرفت حاصل نمودند که وقتی درهند صحبت از ساخت بنایی باشکوه میشود معمار و حجار و خطاط ایرانی برای ساخت تاج محل دعوت میشوند و گنبد سلطانیه علاوه بر تاج محل تأثیر خود را بر کلیسای سانتاماریا دلینوره - نیز میگذارد در دوران اسلامی همین بس که بگوییم آنچه هنر دوره اسلامی گفته میشود همان هنر هنرمندان ایرانی مسلمان است. در این دوره همسان خلاقیت دوران باستانی ادامه یافت . لعاب مینا هام ، ساخت ایرانیان در دوره اسلامی بود که بخاطر دست نیافتن دشمن در حمله مغول رمز ساخت آن دست فراموشی سپرده شد ساخت بشقابهایی که کلام امامان (ع) و آیات قرآن روی آنکار رفته و مجموعه زیبای نیشابور را تشکیل میدهد یکی از شاهکارهای دوران اسلامی است . نگاهی به مساجد ایران کافی است تا تکنولوژی ساخت و هنر نژدین را در کنار هم در حد اعلای آن مشاهده و درک کرد .

صنعت رایج در ایران و هنر ایران دست بدست هم داده و صنایع دستی بسیار ساخته اند که امروزه زینت بخش موزه های جهان است .

امروزه نیز تولید صنایع دستی با اتکاء به گذشته پربار دارای اعتبار خاصی است علیرغم جهش بزرگ صنعتی غرب ولی هنوز از لحاظ فرهنگی صنایع دستی از کشورهای جهان سوم تغذیه میشود . بزرگترین وارد کننده کان

صنایع دستی از جهان سوم همان کشورهای صنعتی هستند.

نقش صنایع دستی در جهان سوم

بعد از جنگ جهانی دوم که بسیاری از کشورهای وابسته به استقلال دست یافتند بزرگترین مشکل برنامه ریزی استقلال اقتصادی بود. تمامی رهبران این کشورها تأکید بر آن دسته از صنایعی داشتند تا وابستگی این کشورها را به غرب کمتر کند تا کند، گاندی و سوکارنو صحنی بر پایه ریزی اقتصاد ملی از همین رو صورت گرفت و صنایع دستی به عنوان مهمترین تولید داخلی که میتواند به خارج از کشور مادر شود و از جمله نوا در بخشهای صنعت که به خارج وابستگی ندارد مورد توجه و در دستور اقتصاد ملی قرار گرفت.

برای این کشورها صنایع دستی دارای ۳ بُعد مهم بود. اول گامی در جهت خودکفایی زیرا تمام مراحل تولید در داخل کشور انجام میشد. دوم با لایردن تولید ناخالص ملی که بخصوص در دوران اولیه کسب استقلال که اغلب با تحریم ها و تعطیل شدن کارخانه های وابسته همراه است. سوم حفظ ارزشهای فرهنگی ملی که خود محرکی برای کسب استقلال است و تمامی کشورهای تولید کننده صنایع دستی خود دارای فرهنگی غنی و عظیمی هستند که مایل به حفظ آنند.

نقش صنایع دستی در جریان صنعتی

همان نقش حفظ میراث فرهنگی که برای جهان سوم مطرح بود برای کشورها صنعتی نیز مطرح است ولی اهداف دیگر جهان سوم در جهان صنعتی ممداق ندارد .

صنایع دستی دیگر در جهان صنعتی برای افزایش تولید ناخالص ملی بکار نمیروند ولی نقش و اهمیت صنایع دستی در این کشورها کم نیست . هنرمندان صنایع دستی در این کشورها با تأسیس گالری های خصوصی بسه تولید و آفرینش آثاری دست میزنند که با موزه های هنرهای معاصر خریدار آن هستند و یادبرنامه تولید کارخانه جات به عنوان يك اثر مصرفی و تزئینی و فرهنگی قرار میگیرد .

نظر به اهمیتی که صنایع دستی در تمامی جهان دارد در سال ۱۹۶۴ شورای جهانی صنایع دستی

که یکی از سازمانهای وابسته به سازمان علمی فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) است به وجود آمد .

اهدافی که این شورا دنبال میکند عبارت است از تشویق و کمک و راهنمایی صنعتگران ، همچنین با لایردن سطح اطلاعات تخصصی و حرفه ای آنان با توجه به زمینه های متفاوت فرهنگی موجود در هر کشوری و همچنین حفظ و گسترش صنایع دستی و تجلی آن به عنوان رکن عمده ای از حیثیات فرهنگی ملتها :

در این شورا حدود ۸۰ کشور عضویت دارند که ایران جزو اولین کشورها می
 بود که به عضویت این شورا درآمد.

شورا جهان را به چهار منطقه آسیا و اقیانوسیه، اروپا، آمریکا
 و آفریقا تقسیم کرده است که بصورت ۴ معاونت شورای جهانی عمل
 میکنند.

اقدامات مهم شورا تقسیم‌بندی و رده بندی انواع رشته های صنایع دستی
 است که بر اساس دو شیوه کاربر روی اثر و مواد مصرفی اثر صورت
 گرفته است.

از دیگر اقدامات کشور های عضو شورا ایجاد تسهیلات صادرات و واردات -
 صنایع دستی در کشورهای عضو است.

حال که بصورت نسبی تعریفی از صنایع دستی بدست آمده به ویژگیهای
 صنایع دستی میپردازیم و به دلیل همین ویژگیها است که در مجموع خود
 کار صنایع دستی را مناسب برای اشتغال معلولین میکنند.

۱ - جایگاه صنایع دستی در روستا و شهر

در روستا که معمولاً وجه اصلی اقتصاد را کشاورزی تشکیل میدهد
 (و به همین دلیل نیز کار فصلی است) در فصل بیکاری پرداختن به صنایع
 دستی متداولترین نوع اشتغال میباشد زیرا بسیاری از حواش زندگی
 که میباید از بازار تهیه گردد را بدین وسیله مهیا میکنند. بخصوص
 انواع زیر اندازه و پارچه ها که تهیه آن در بازار گران است بیشتر

بوسیله خود روستائیان تهیه میگردد وقتی مازاد تولیدات خود را بـــه بازار عرضه میکنند . در نقاط دورافتاده که رفت و آمد به آن روستا مشکل است در صد پرداختن به صنایع دستی به عنوان يك وسیله تأمین حواشیـــ زندگی بیشتر است و حتی درصد خودکفائی مواد اولیه و تکنیک ساخت صنایع دستی نیز در این روستاها بالاتر است البته پرداختن به صنایع دستی در روستاها فقط شامل زیراندازها نمیشود بلکه انواع تولیدات روستایی صنایع دستی را در برمیگیرد .

در شهرها نیز صنایع دستی اهمیت خود را از دست نمیدهد و البته بـــه انواع دیگری از تولیدات صنایع دستی کـــه احتیاج به ماشین آلات و مواد اولیه بغرنجتری دارند که امکان تولید آن در روستا کمتر است مانند خاتم بیشتر پرداخته میشود .

در شهرها صنایع دستی بیشتر به عنوان يك حرفه و فن برای تأمین معاش مطرح میگردد و استاد صنایع دستی کار به تولید انبوه میپردازد در حالیکه در روستا تمامی روستائیان به تمام رشته‌ها ی رایج میپردازند برای مثال در روستایی که بافت قالی و گلیم رواج دارد تمام زنان و دختران روستایی به بافت گلیم و قالی میپردازند . این فن را به کمال یاد میگیرند ولی يك استاد خاتم در شهر ممکن است يك یا دو نفر باشند .

علیرغم تقسیم کار و تخصصی شدن حرفه ها در شهرها که تفاوت‌هایی را

در پرداختن و تولید صنایع دستی در شهر و روستا ایجاد میکند ولی هر دو مکان به عنوان خاستگاه صنایع دستی مطرح هستند.

۲- ارزش زاپی صنایع دستی

آنچه که محصولات صنایع دستی را ارزشی والا میدهد همانا تأثیرات فرهنگی همراه با کار دقیق و ماهرانه استادکار از مثنی توده بی جان اثری بوجود می آورد که دارای ارزش مادی و فرهنگی فراوانی است. مواد اولیه در عموم رشته های صنایع دستی درصد کمی را از محصول ایجاد شده به خود تخصیص میدهد.

برای مثال در خاتم شبابه حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد کار ایجاد شده به مواد اولیه تعلق دارد و این درصد در اکثر رشته های صنایع دستی مصداق دارد و اگر طرحی اصیل زیبا با استادی تمام اجرا شود حتی ارزی صدها برابر ارزش مواد اولیه ایجاد میگردد این مقدار ارزش افزایی فقط در رشته های هنری مصداق دارد و این قوه ابتکار و خلاقیت هنرمند است که ایس ارزش افزایی را میسر میکند.

۳- گامی در جهت خودکفایی

تمامی مواد اولیه ساخت صنایع دستی میباید در داخل کشور تولید گردد و تکنولوژی ساخت بنز در داخل کشور وجود دارد و حتی جزو صادر کنندگان روش ساخت این نوع کالاها به خارج کشور هستیم اینستکه با پرداختن به تولید صنایع دستی هانه تنها هیچگونه وابستگی ایجاد نميگردد بلکه

در جهت تأمین خود کفائی و استقلال اقتصادی فرهنگی گام برداشته
میشود.

۴ - سازگاری با انواع معلولیتها

ناشنوایان در تمامی رشته های صنایع دستی میتوانند فعالیت کنند
در معلولین جسمی حرکتی داشتن يك دست در بعضی از موارد کافی است و-
در بسیاری دیگر از رشته های صنایع دستی احتیاج به تحرك و جابجایی
در تولید نیست معلولین ذهنی تربیت پذیر در سیستم تقسیم کار و ساده شد
تولید کاملاً" وفق داده میشوند و نابینایان نیز در زنجیره ای شدن تولید
میتوانند مفید واقع شوند.

در حقیقت با يك حداقل از توانایی میتوان در تولید صنایع دستی مفید واقع
شد. در این زمینه طرحهایی وجود دارد تا تجربیاتی در ارتباط با بکار
گیری انواع معلولیت در يك سیستم تولید کسب گردد.

۵ - تطابق با هر سطح تحمیلات

هر کسی با هر سطح تحمیلات میتواند به تولید صنایع دستی پردازد —
ممارست و پیگیری در تولید و علاقه و دلبستگی با این هنر کافی است تا به
با لاترین سطح استاد کاری در یکی از رشته های صنایع دستی دست یافت.
و به همین دلیل است که اکثر استادکارانی که در حرفه های صنایع دستی
نام و نشانی دارند و کار آنان زینت بخش موزه ها است از تحمیلات بالایی
برخوردار نیستند ولی تخمصي دارند که برای تدریس در دانشگاه از آنان

دعوت میگردد. در حال حاضر صنایع دستی در آموزش عالی در دو مقطع کاردانی (میراث فرهنگی و جهاد) و کارشناسی در مجتمع دانشگاهی هنر و دانشگاه الزهرا و دانشکده پردیس امفهان تدریس میشود و در خارج از کشور نیز مقاطع بالاتری نیز برای ادامه تحصیل وجود دارد.

۶ - سازگاری با اشتغال درخانه و درکارگاه

بنابر ویژگی صنایع دستی در حرفه های مختلف از اشتغال خانگی تا حتی کارخانه ای بزرگ با میلیونهای سرمایه و دهها کارگر رادر بگیرد میتواند از يك کار نیمه وقت و ساعتی در روز تا کارگاهی بزرگ و با سه شیفت کار در صنایع دستی بکار گزنت . این بستگی به مقدار سرمایه گذاری و خواست و توان در برنامد ریزی دارد تا چه حد از تمام امکانات استفاده شود.

۷ - امکانات صادرات و ارز آوری

با لاترین رقم صادرات غیر نفتی ایران مربوط به فرش است زمانی ما رتبه اول رادر جهان در صادرات فرش داشتیم و حالا گو اینکه این رتبه را از دست داده ایم ولی هنوز در جهان به عنوان صادرکننده ای مهم هستیم . در مجموع خود تمامی محصولات صنایع دستی از قابلیت صادراتی خوبی در جهان برخوردار هستند . در صادرات صنایع دستی با هم به عنوان کسب ارز مورد نیاز دیگر صنایع و هم بعنوان ارائه عاملهای فرهنگی اهمیت زیادی دارد .

۸ - حفظ و اشاعه عاملهای فرهنگی

همانطور که گفته شد صنایع دستی به عنوان هنر ، صنعت تعریف شده است و آنچه صنایع دستی ایران را در جهان مطرح میکند همین دو مقوله هنر و صنعت است برای مثال نگاهی به فرش ایران میکنیم نوع گره ، نوع پشم ، فشردگی بافت ، ثابت بودن رنگد و دوام زیاد فرش از صفات فنی برتر فرش ایران است و درارتباط با طرح فرش یکی از زیباترین زیرا تدازهای جهان است . مخیمل بودن طرحها و هماهنگی فرمها ترکیب زیبایی رنگها نیز از صفات برتر هنری این رشته است و با تکیه به همین صفات فنی و هنری برتر است که در قبل از انقلاب رتبه اول را در جهان دارا شدیم . با نگاهی به بروشورهای زیراندازهای خارجی متوجه میشویم که در زمینه تأثیر گذاری فرهنگی در صنایع دستی چقدر موفق بوده ایم وقتی در کتیب خارجی صحبت از طرحهای کاشان و هرسین و کرمان و یا صحبت از طرحهای ختایبی و اسلیمی یا به انواع کار مانند کلیم و جاجیم بر میخوریم تأثیر هنر خود را بر زبان و هنر بیگانگان متوجه میشویم . و ژاپن همیشه همین دلیل میکوشد تا صنایع دستی و هنر سنتی خود را به عنوان رکن اصلی فرهنگ ژاپنی حفظ کند و حتی در طرحهای صنعتی با استفاده از همان سبک خود حرکت کند .

با توجه به ویژگی های صنایع دستی جا دارد که بیش از گذشته به این هنر

و تأثیر آن در اشتغال معلولین توجه شود. گسترش رشته های مختلف صنایع دستی ایجاد کارگاههای تعاونی تولید و یا حمایت شده صنایع دستی و تربیت مربی در رشته های صنایع دستی ، هدفهای مهم در گسترش صنایع دستی در سازمان بهزیستی هستند . امیدواریم که با عنایت بیشتر مسئولین بتوانیم در راستای هدفهای فوق حرکت مستمری داشته باشیم .

مرتضی حسینی

کارشناس توانبخشی حرفه ای